

1672 - کفاره‌ی کسی که در روز رمضان با همسر خود هم‌بستر شده است

سوال

چند بار با همسر در روز رمضان هم‌بستری کرده‌ام و الان بسیار پشیمانم. می‌دانم که کفاره‌ی این کار آزاد کردن یک برده است که برده‌ای برای آزاد کردن نمی‌یابم، یا دو ماه روزه که به سبب کارم برایم خیلی سخت است. آیا می‌توانم چنانکه در حدیث آمده شصت مستمند را غذا بدهم؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

توصیه‌ی ما این است که سعی کنی دو ماه روزه‌ی پی در پی را در روزهای سرد یا معتدل سال که روز کوتاه‌تر است و سختی آن کمتر است یا در مرخصی سالیانه‌ای که شرکت یا محل کارتان به شما می‌دهد یا فرصت‌های دیگر، ادا کنید. اما اگر حقیقتاً نتوانستید روزه بگیرید، در این صورت برایتان جایز خواهد بود که شصت مسکین را غذا بدهید. می‌توانید بر حسب توانایی، در چند دفعه به آنان غذا بدهید تا آنکه تعدادشان کامل شود. همسران نیز اگر با رضایت خود در روز رمضان با شما هم‌بستر شده باید مانند شما کفاره بدهد. اگر در روزهای متعدد این کار را کرده‌اید باید به تعداد روزهایی که در آن [بین اذان صبح تا اذان مغرب جماع کرده‌اید و] حرمت روزهای این ماه را زیر پا گذاشته‌اید، کفاره بدهید.

صاحب کفایة الطالب می‌گوید: تعداد کفاره‌ها به تعداد روزها [یی است که در آن در روز رمضان جماع صورت گرفته] است و با تکرار خوردن‌ها یا جماع در یک روز، کفاره تکرار نمی‌شود و صاحب مغنی المحتاج می‌گوید: کفاره‌ها به تعداد فسادها [ی هر روزه] تکرار می‌شود... [و هر کس در دو روز جماع کند، باید دو بار کفاره بدهد] زیرا هر روز یک عبادت مستقل است، بنابراین کفاره‌های آن در هم تداخل نمی‌کند... در نتیجه اگر جماع در یک روز [دو یا چند بار] تکرار شود، چند بار کفاره نخواهد داشت.

خداوند هیچکس را جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌دهد و حدیثی که شما در سؤالتان به آن اشاره کردید توسط ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده که متن آن چنین است: « ابوهریره - رضی الله عنه می‌گوید: نزد رسول الله ﷺ نشستیم و یک‌دیگر را می‌آلود و گفت: ای رسول خدا! من هلاک شدم. رسول الله ﷺ فرمود: **چهل‌هاست؟** آن شخص گفت: ماه رمضان در حال روزه، با همسر هم‌بستری کردم.

رسول الله ﷺ فرمود: **آیا غلامی دار که او را آزاد کنی؟** گفت: خیر. رسول الله ﷺ فرمود: **می‌توانی دو ماه متوالی، روزه**

بگیری؟ گفت: خیر. رسول الله ﷺ فرمود: **می‌توانی شصت مسکین را خوراک بدهی؟** گفت: خیر. آن حضرت ﷺ چیز ینگفتو مدتی ساکت ماند. در آن اثنا، کیسه‌ای پر از خرما نزد رسول الله ﷺ آوردند. رسول الله ﷺ پرسید: **سائل چه شد؟** آن شخص، پاسخ داد: من حاضرم. رسول الله ﷺ فرمود: **این کیسه را بردار و صدقه کن.** آن شخص، گفت: به خدا سوگند! در میان ایندو سنگ لاخمدینه، هیچ‌خانه‌ای از خانه‌ی من محتاج‌تر نیست. رسول خدا ﷺ با شنیدن این سخن، طور یخندید که دندانهای [مبارکش] ظاهر شد. سپس، فرمود: **این کیسه را بردار و برای همسر و فرزندان ت ببر** به روایت بخاری (فتح الباری/ ۱۹۳۶).

و در روایتی نزد امام احمد از ام المومنین عائشه - رضی الله عنها - آمده است، که گفت: در حالی که رسول الله ﷺ در زیر سایه‌ای نشسته بود، ناگهان مردی آمد و گفت: **سوختم ای پیامبر خدا!** فرمود: **چه شده؟** گفت: در حال روزه بر همسرم افتاده‌ام (با او جماع کرده‌ام). ام المومنین می‌گوید: و این در ماه رمضان بود. رسول الله ﷺ به او فرمود: بنشین. او گوشه‌ای در میان جمعیت نشست. سپس مردی آمد که بر الاغی کیسه‌ای خرما داشت و گفت: این صدقه‌ی من است ای پیامبر خدا. رسول الله ﷺ فرمود: **آن مرد که سوخته بود کجاست؟! گفت: اینجا**یم ای رسول خدا! فرمود: **این را بردار و صدقه‌اش بده.** گفت: صدقه جز برای من شایسته نیست ای رسول خدا! قسم به آنکه تو را به حق مبعوث ساخت، من و خانواده‌ام چیزی [برای خوردن] نمی‌یابیم. فرمود: **آن را [برای خودت] بردار** پس آن را برداشت. مسند امام احمد (۶/ ۲۷۶).

از الله متعال خواهیم گناهان ما و زیاده روی ما را در حق خود بیامرزد و از ما توبه پذیرد که او توبه‌پذیر و مهربان است.